

فرهنگ ازدواج در بستر ارزش‌های اسلامی

دکتر غلامعلی افروز

دخترها و حق انتخاب همسر



طی چند سال گذشته که توفیق حضور در گردهمایی‌های جوانان و جلسات ده‌ها هزار دانشجو در دانشگاه‌های مختلف کشور را داشته‌ام، ضمن ایراد سخنرانی درباره مبانی روان‌شناختی ازدواج، از دیدگاه‌ها و برخی سؤالات مطرح شده به وسیله دانشجویان و حاضران در جلسه بهره فراوان برده‌ام. در واقع نکات قابل توجهی از مباحث مربوط به مبانی روان‌شناختی ازدواج متأثر از همین جلسات بوده است.

مجموعه‌ای از سؤالات درخور توجه و تأمل درباره مسائل مختلف ازدواج که در جلسات گوناگون و در دانشگاه‌های مختلف تهران و شهرستان‌ها از دخترها و پسرها دریافت داشته‌ام، برایم گنجینه‌ای بسیار مهم و ارزشمند است. در میان این سؤالات، چند سؤال از بیش‌ترین فراوانی برخوردار بوده است که در این مقاله به یکی از آن‌ها می‌پردازم.

توانایی مادر بودن نیز بهره‌مند هستند. قابلیت و شایستگی مادری، خود آمیزه‌ای از ویژگی‌های خاص زیستی و صفات برجسته عاطفی و احساسی است. از این‌رو ایفای بهینه نقش همسری و توفیق عهده‌دار شدن وظیفه خطیر و سرنوشت‌ساز مادری، ترسیمگر طریق فلاح و سعادت‌مندی فرزندان^۱ و از نشانه‌های شخصیت برتر و کمال وجودی زنان است.

چنین تفاوت‌های بارز و لازم شخصیتی میان زن و مرد و ضرورت بهره‌مندی فوق‌العاده زنان از احساسات لطیف و عواطف عمیق، خود بستر پدیدآیی نگرش‌ها، رفتارها و نیازهای ویژه‌ای را در وجود آن‌ها فراهم می‌کند. به همین دلیل است که زن‌ها به حمایت عاطفی، روانی و اجتماعی بیش‌تری نیاز دارند، زیرا هر چه پدیده‌ای ارزشمندتر باشد، باید مورد حمایت و پشتیبانی بیش‌تری قرار گیرد.

زنان عموماً دوست دارند همسرشان فردی باشد که شخصیت او جلوه‌گر اقتدار منطقی و عاطفی است. به دیگر سخن خانم‌ها نسبت به آقایانی که از شخصیت کاملاً انفعالی برخوردار بوده، از صفاتی همچون اعتماد به نفس، قدرت رهبری و مدیریت، شجاعت، استواری و صلابت و حمایتگری همه جانبه بی‌بهره هستند، نگرش چندان مثبتی ندارند. مردان نیز غالباً دوست می‌دارند که همسرشان منبع آرامش و شخصیت وجودی‌شان مملو از مهر و عطف، نجابت و عفت و منطق و صبوری باشد.

در واقع همان‌گونه که در بخش‌های پیشین این مجموعه بیان شد، در منظر ارزش‌های روان‌شناختی اسلامی نیز کانون خانواده همچون بوستانی است که مادر باغبان آن و پدر نگاهبان و

پس از جلسات سخنرانی اخیر این جانب در دانشگاه کرمان و دانشگاه الزهراء - سلام الله علیها - بسیاری از دانشجویان دختر با عبارات گوناگون، ولی بانیّت و انگیزه مشابه سؤال کرده بودند: "چرا دخترها نمی‌توانند یا نباید از پسرهای مورد توجه خود خواستگاری کنند؟"

این سؤال از سؤالات بسیار مهم و قابل توجه است و شاید برای بسیاری از دختر خانم‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد. جان کلام این است که چرا فقط آقایان همیشه به خواستگاری دخترها می‌روند؟ چه اشکالی دارد زمینه‌ای فراهم شود که در صورت مساعد بودن شرایط، بعضی دختر خانم‌ها نیز از آقایان مورد توجه و علاقه خود خواستگاری کنند؟ چرا باید همواره دخترخانم‌ها در خانه بمانند تا آقایان در صورت اطلاع، توجه و تمایل به خواستگاری آن‌ها بروند؟ البته باید اذعان کرد که بسیاری از دختر خانم‌ها نیز چنین نمی‌اندیشند و دوست می‌دارند شاهد آمد و شد خواستگاران متعدد باشند و از میان آنان، کسی را برگزینند که موجه‌تر بوده، از بیش‌ترین قابلیت همسری و بالاترین توان آرامشگری برخوردار باشد.

شایسته است در ارتباط با این سؤال اساسی توجه همه علاقه‌مندان، صاحبان اندیشه و اهل نظر را به نکات زیر جلب کنم.

به‌رغم مشابهت میان هوش و توان‌مندی‌های ذهنی دختران و پسران، تفاوت‌های موجود در خصیصه‌های زیستی و ویژگی‌های عاطفی دخترها و پسرها نشانگر شاکله خاص شخصیتی هر کدام از دو جنس است. دختر خانم‌ها در کنار وظیفه خطیر همسری و آرامشگری وجود همسر همدل، از ارزشمندترین قابلیت انسانی، یعنی

باشد، بسیار دشوار خواهد بود از مردی برای ازدواج خواستگاری کند و احیاناً جواب رد بشنود و سراغ فرد دیگری برود. به طور قطع این روش نه در شأن دختران فهیم، اصیل، نجیب و پرمهر و عظوفت است و نه به صلاح آنان می‌باشد. این امر با ویژگی‌های خاص شخصیتی ایشان سازگار نیست.

بدیهی است برای یک مرد بیش‌تر قابل تحمل است که از دختری خواستگاری کند و پاسخ رد بشنود و بعد از مدتی از دختر دیگری خواستگاری نماید و احتمالاً باز هم با جواب منفی مواجه شود تا این که سرانجام پاسخ مثبت دختری را برای ازدواج دریافت دارد.

پر واضح است که خواستگاری آقایان از خانم‌ها هرگز به معنای محدودیت آزادی و اختیار خانم‌ها در حق انتخاب همسر نیست. ازدواج دختر خانم‌ها همواره باید با آگاهی، اراده و اختیار ایشان همراه باشد و همه دختر خانم‌ها حق دارند از میان خواستگاران داوطلب ازدواج با ایشان، آن کس را که اصلح می‌دانند با آزادی کامل انتخاب کنند و هیچ‌گونه اجبار و تحمیلی در این ارتباط روا نیست.



حمایتگر آن است. معنا و مفهوم بارز این کلام قرآنی که می‌فرماید: "الزَّجَالُ قَوْمُونَ عَلَى النِّسَاءِ"،^۲ این است که شوهرها حامی و پشتیبان با صلابت و استوار همسرانشان هستند.

محبت‌پذیری فوق‌العاده خانم‌ها، به لحاظ برخورداری آنان از احساسات پرشور و لطیف، امری کاملاً طبیعی است. به همین جهت خانم‌ها غالباً بیش‌تر و زودتر از آقایان تحت تأثیر احساسات و جاذبه‌های مهرآمیز قرار می‌گیرند و مردان نیز بیش‌تر و زودتر از خانم‌ها از کشش‌های نفسانی و هیجانانگیز غریزی متأثر می‌شوند.

خلاصه کلام آن که ساختار شخصیتی هر یک از دو جنس زن و مرد به گونه‌ای است که هر کدام ویژگی‌های لازم را در مسیر تحول وجود و نیل به کمال شخصیت بی‌بدیل خود دارا هستند. تفاوت‌های زیستی و روان‌شناختی موجود میان زن و مرد هرگز به معنای برتری یکی بر دیگری نیست، که این تفاوت‌ها بیانگر ویژگی‌ها و نیازهای خاص، قابلیت‌ها و مسئولیت‌های ویژه و درخور توجه هر یک از ایشان است.

متفکر شهید حضرت آیت‌الله مطهری در این باره می‌فرماید: "طبیعت مرد را مظهر طلب و عشق و تقاضا آفریده و زن را مظهر مطلوب بودن و معشوق بودن. طبیعت زن را گل و مرد را بلبل، زن را شمع و مرد را پروانه قرار داده است. این یکی از تدابیر حکیمانه و شاهکارهای خلقت است که در غریزه مرد نیاز و طلب و در غریزه زن ناز و جلوه قرار داده است."^۳

بنابراین از یک نگاه ژرف، برای زن که وجودش منبع احساسات، عظوفت و مهرطلبی و تمایل درونی‌اش مبتنی بر محبوب و معشوق بودن است و دوست می‌دارد که بر دل و جان مرد حاکم

علیه السلام - از دختر پیامبر اسلام خواستگاری می‌کنند و با این که از همان ابتدا نظر و تمایل قلبی پیامبر خدا - صلی الله علیه و اله - نسبت به شخصیت ممتاز و منحصر به فرد علی - علیه السلام - این برترین دانش آموخته مکتب اسلام کاملاً واضح و روشن بود و هیچ کس دیگر نمی‌توانست منزلت علی - علیه السلام - را در نزد پیامبر اسلام داشته باشد، با این وجود، ایشان ارائه پاسخ مثبت به تقاضای علی - علیه السلام - را منوط به اظهار نظر آزادانه و میل واراده و انتخاب نور چشم خود، زهرای کوثر می‌داند.

آری، آن چه بیش از هر چیز دیگر در فرایند زوجیت دارای اهمیت و درخور توجه است، مسئله آزادی و حق انتخاب همسری شایسته به وسیله دختر خانم‌هاست و بالطبع هرگونه اجبار و تحمیل در این ارتباط نادرست و ناپسند می‌باشد و با فلسفه ازدواج به معنای دقیق آن، یعنی همدلی و همراهی زن و شوهر، منافات دارد.

مسئله خواستگاری مردها از زن‌ها نیز به گونه‌ای که اشارت رفت بیانگر شخصیت تکریم طلب و محبت‌پذیر و منزلت‌ارزشمند گوهر وجود گران‌قدر و پرخواستار آنان است.

فرصت انتخاب از میان خواستگاران مشتاق و داوطلبان فعال و واجد شرایط ازدواج برای دختر خانم‌ها، از زیباترین و پرثمرترین فرصت‌ها و خطیرترین و حساس‌ترین انتخاب‌هاست. در چنین شرایطی دختر خانم‌های فهیم و دوراندیش، آنان که به نیکی به فلسفه و هدف والای ازدواج آگاهند و می‌دانند که انتخاب همسر بزرگ‌ترین و سرنوشت‌سازترین انتخاب زندگی آن‌هاست، فرصت می‌یابند که بر اساس معیارهای متعالی انتخاب همسری بایسته و شایسته و آرامشگر

پیامبر بزرگوار اسلام - صلوات الله علیه و آله - همیشه بر اراده و اختیار دخترها در انتخاب همسر تأکید داشتند. حتی هنگامی که مولای متقیان علی - علیه السلام - نورچشم و عزیز پیامبر از دختر پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله - زهرای اطهر سلام الله علیها در نهایت ادب و احساس شرم حضور و بیان تقاضا در محضر رسول خدا - صلی الله علیه و آله - خواستگاری می‌کنند، پیامبر خدا می‌فرماید که علی جان، تاکنون چند نفر دیگر با ویژگی‌های متفاوت و بعضاً از خانواده‌های مشهور و سران اقوام مختلف نیز به خواستگاری زهرایم آمده‌اند و من شخصاً موضوع را با زهرا در میان گذاشته و جوایب نظر او شده‌ام؛ اما دخترم زهرا تا حال با برگرداندن چهره خود مراتب نارضایتی خود را نسبت به خواستگاران اعلام کرده است. اینک فرصتی بده تا خواستگاری شما را به اطلاع او برسانم و نظرش را جویا شوم.

سپس پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله - به نزد حضرت زهرای مرضیه - علیها سلام - رفتند و موضوع تقاضای علی - علیه السلام - را با دختر عزیزشان در میان گذاشتند. این بار زهرای اطهر بر خلاف دفعات قبل نه تنها چهره خود را برنگرداند، که با چهره‌ای گشاده مراتب رضامندی قلبی‌اش را ابراز فرمود. آن گاه پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله - با خشنودی از انتخاب شایسته دختر خود، تکبیر گویان از نزد زهرا - سلام الله علیها - بیرون آمد و مراتب موافقت زهرا - سلام الله علیها - را برای ازدواج با علی - علیه السلام - به اطلاع وی رساند.

در واقع جریان ازدواج برترین همسران جهان این گونه بوده است که چندین نفر از افراد مختلف با ویژگی‌های گوناگون و بعضاً بسیار متمول و قدرتمند و صاحب قدرت و نفوذ به موازات علی -

چنین احساسی متقابلاً در وجود همین آقا پسر نیز نسبت به این دختر خانم پدیده آمده باشد، اما این پسر به دلایل مختلف توان، جرئت یا فرصت طرح موضوع و اظهار تمایل خود را نداشته، یا راه و روش مؤثر ابلاغ آن را نمی‌داند یا به دلیل کمرویی، اضطراب اجتماعی و خجالت‌زدگی فوق‌العاده زیاد، جرئت ابراز تمایل خود را ندارد. در چنین شرایطی چه باید کرد؟

و سرانجام آن زمان که پسری متعهد و صدیق در محیط مقدسی چون دانشگاه، یا مشاهده کنش‌ها و واکنش‌ها و رفتارهای متین و پربصابت دختر خانمی در می‌یابد که خصیصه‌های شخصیتی او مطابق با معیارهای اساسی انتخاب همسر می‌باشد اما به تصور این که این دختر خانم از تبار اجتماعی - اقتصادی فوق‌العاده برتر و متعلق به خانواده‌ای برجسته و مرفه است و هرگز به تقاضای او پاسخ مثبت داده نمی‌شود، انگیزه و جرئت طرح موضوع را نمی‌یابد و راه و روش دیگری را برای امکان‌سنجی مسئله پیدا نمی‌کند، چه باید کرد؟ چه بسا اگر این پسر تمایل خود را برای معارفه و شناخت متقابل و ازدواج مطرح کند، مورد قبول دختر خانم واقع شود و شاید هم چنین احساس متقابلی در ذهن و اندیشه دختر خانم هم نسبت به همین آقا پسر وجود داشته باشد ولی او نیز جرئت نمی‌کند یا روش طرح موضوع را نمی‌داند!

در همین ارتباط، سال گذشته دختر خانم بسیار موجهی که دانشجوی دوره کارشناسی ارشد بود، در ملاقاتی که با من داشت می‌گفت: یکی از بستگان نسبتاً نزدیکم جوانی است بسیار مؤمن، متعهد، با غیرت و تلاشگر که فکر می‌کنم نسبت به من نگرش مثبتی دارد، ولی به این دلیل که از نظر تحصیلی دیپلمه است و به لحاظ اشتغال بسیار

وجود، در برابر تقاضا یا تقاضاهای متعدد با گفتن "آری"، یا "خیر" سرنوشت خود و دیگری را در مسیری معین رقم بزنند.

به سخن دیگر، هنگامی که آقایان به خواستگاری دختر خانم‌ها می‌روند، آن‌ها "شنونده" لفظ آری یا خیر خواهند بود و این دختر خانم‌ها ایند که با قدرت انتخاب برتر، "گوینده" واژه‌های آری و خیر می‌باشند.

از منظری دیگر به این امر مهم نگاه کنیم!

در جامعه‌ای که هر روز بر پیچیدگی آن افزوده می‌شود، حلقه‌های خویشاوندی گسسته‌تر می‌گردد، دایره شناخت‌های متقابل خانواده‌ها و بالطبع پسرها و دخترها محدودتر می‌شود و ارتباطات خانوادگی و آمدو شدهای فامیلی و همسایگی به حداقل می‌رسد، چه باید کرد؟

آن‌گاه که خانواده‌ای بسیار محترم و معظم از شهری به شهر دیگر مهاجرت می‌کنند یا از محلی به محل دیگر انتقال می‌یابند، یا حتی در منزلی که سال‌هاست زندگی می‌کنند، ارتباط چندانی با همسایگان و آشنایان خود ندارند به گونه‌ای که بعد از چندین سال هم محله‌ای و همسایه بودن، اطرافیان‌شان از این امر که در این خانواده دو دختر بسیار نجیب و عقیف و آماده ازدواج به همراه والدین خود زندگی می‌کنند، اطلاعی ندارند، چه باید کرد؟^۲

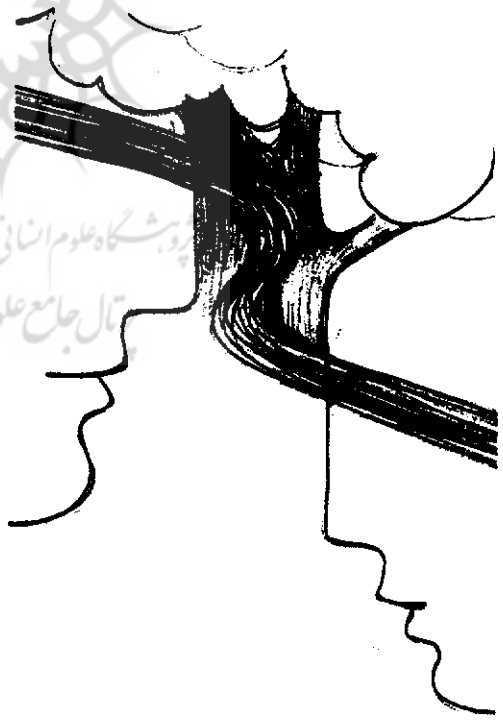
آن هنگام که دختر عقیف، پاکدامن و هوشمندی متوجه می‌شود در میان اقوام، نزدیکان، همسایگان یا در جمع هم‌کلاسی‌ها پسری است بسیار پاک و مؤمن، اصیل و متین، با وقار و با صلابت و قابل قبول با معیارهای متعالی او در امر انتخاب همسری شایسته، چه باید کرد؟ چه بسا

من پاکی، صداقت، توانمندی و سواد و مهارت‌های اجتماعی برجسته او مهم‌تر از مدرک لیسانس و فوق‌لیسانس است، با اعتماد به نفسی که دارد حتماً در اولین فرصت با خانواده‌اش اقدام به خواستگاری می‌کند.

پس از گوش دادن به صحبت‌های صادقانه و صمیمانه این خانم ارجمند من شخصاً مسئولیت این کار را پذیرفتم و قرار شد طی ملاقاتی که با آقای مورد نظر برای گفت‌وگو درباره موضوع دیگری خواهم داشت، از ویژگی‌های شخصیتی وی ارزیابی کلی به عمل آورم و در مجموع اگر تناسب و کفویت هر دو نفر را تشخیص دادم، پس از طرح مسئله ازدواج، به گونه‌ای بایسته و شایسته و با حفظ منزلت والا و تکریم شخصیت ارزشمند این خانم، امکان موافقت مشارالیه با تقاضای احتمالی آقا برای ازدواج را به وی انتقال دهم.

به لطف الهی این جانب توانستم این مسئولیت خطیر و ارزشمند را به خوبی انجام دهم و پس از گذشت چند هفته در نهایت احساس رضامندی شاهد مراسم جاری شدن عقد ازدواج این زوج موفق و برتر بودم. اینک مدتی است که این زوج در نهایت آرامش و رضایت با هم زندگی می‌کنند. ذکر این واقعه خوشایند و خاطره ماندگار خود بیان دیگری از نحوه ابلاغ نظر و تمایل قلبی یک خانم نسبت به یک آقا به عنوان همسر منتخب احتمالی است. به عبارت ساده‌تر در جامعه اسلامی ما و با عنایت به فرهنگ حاکم بر اذهان خانواده‌ها، روش غیرمستقیم، زیباترین و مؤثرترین روش در جهت تحقق اندیشه صادقانه زمینه اظهار تمایل و آمادگی و خواستگاری یک خانم برای ازدواج با آقای متعهد و واجد شرایط کفویت و صاحب صلاحیت زوجیت می‌باشد.

مفید موفق به ادامه تحصیل نبوده است، چنین احساسی دارد که اگر از من خواستگاری کند، من قبول نخواهم کرد. در حالی که من به رغم این که ایشان دیپلمه هستند و من در حال اتمام دوره کارشناسی ارشد می‌باشم، او را فردی با سواد و توانمند می‌شناسم که از نظر مهارت‌های اجتماعی ویژگی‌های برجسته‌ای دارد و از همین رو چنانچه ایشان اقدام به خواستگاری کنند به طور قطع می‌پذیرم و به خواستگار دیگری که دارای مدرک تحصیلی بالاتر است پاسخ منفی خواهم داد. اما نمی‌دانم که چگونه و با چه روشی ایشان را از اندیشه و نظر خود مطلع کنم. من مطمئن هستم که اگر این شخص بداند و باور داشته باشد که من ویژگی‌های شخصیتی او را کاملاً قبول دارم و برای



پدرم هرگز راضی نمی‌شود من با جوانی ازدواج کنم که از نظر اقتصادی در مرتبه پایین تری قرار دارد، به هیچ عنوان به خودش اجازه و جرئت طرح مسئله ازدواج و خواستگاری را نمی‌دهد. این خانم در ادامه صحبت گفت: حقیقت این است که در حال حاضر چندین نفر از دوستان و آشنایان پدرم که عموماً افراد سرشناس شهرمان به شمار می‌آیند برای پسرشان از من خواستگاری کرده‌اند و نیز در چند ماه اخیر یکی دو نفر از پسرهای محله‌مان از طریق مادرشان اظهار علاقه کرده و خواسته‌اند که برای خواستگاری به منزل ما بیایند، اما تصور من این است که اغلب این افراد به خاطر شهرت پدرم و تمول خانوادگی ما می‌خواهند به خواستگاری من بیایند و شخص من در درجه دوم اهمیت قرار دارم. با توجه به این که از نظر ظاهر و توان‌مندی هوشی کمبودی احساس نمی‌کنم و از اعتماد به نفس خوبی نیز برخوردارم، دلم می‌خواهد خودم همسر آینده‌ام را انتخاب کنم و این امر به دور از اندیشه‌های مادی‌گرایانه و با میل و اختیار صورت گیرد، چرا که در چنین شرایطی از احساس آرامش بهره‌مند خواهم بود. از همین رو چنانچه فرد مورد نظر اقدام به خواستگاری کند، با احترامی که خانواده‌ام برایم قائلند، نظر آن‌ها نیز مثبت خواهد بود و من بسیار خوشحال خواهم شد که ازدواجم با اندیشه متعالی‌تر صورت گیرد.

در این مورد نیز مسئولیت انتقال این پیام و این معنا به من واگذار شد و با لطف و عنایت خداوندی این رسالت با نیکوترین شیوه انجام پذیرفت.

در این ارتباط وقتی نظر آقای مورد نظر را که یکی از دانشجویان کلاس‌م بود جویا شدم و امکان ازدواجش را با این خانم مطرح کردم، گویی زمینه

نمونه دیگری که چند ماه پیش با آن مواجه شدم از این قرار است که یکی از دختر خانم‌های دانشجوی دانشکده به من مراجعه و اظهار کرد: خانواده‌ام در شهرستان ... زندگی می‌کنند. من هم تا پایان تحصیلات پیش‌دانشگاهی در همان شهر با خانواده‌ام زندگی می‌کردم. حقیقت این است که خانواده ما در این شهر از جمله خانواده‌های سرشناس و دارای حسن شهرت است. پدرم را تقریباً همه اهالی شهر به نیکی می‌شناختند. ایشان فردی متدین، نسبتاً متمول و در عین حال بسیار خیر است. این دانشجوی در ادامه سخنان خود گفت: مدت‌هاست که متوجه شده‌ام یکی از پسرهای هم‌کلاسی‌ام از همشهری‌های ماست. او یکی دو بار نزد من آمده و با رفتاری کاملاً متین و متواضعانه اظهار کرده است که ارادتی خاص به خانواده ما دارد و پدرم را به خوبی می‌شناسد و اگر در دانشکده کاری در ارتباط با کتاب و جزوه و غیره داشته باشم خوشحال خواهد شد که بتواند خدمتی انجام دهد. این خانم پس از بیان این مسئله افزود: من مدت‌ها رفتار این جوان را به طور مستقیم و غیرمستقیم زیر نظر داشته‌ام و واقع‌اً این است که این شخص از رفتار و منش بسیار مطلوب و قابل توجهی برخوردار است و اگر زمانی از من تقاضای ازدواج کند، من حتماً با نظر مثبت تقاضایش را مدنظر قرار خواهم داد و سعی خواهم کرد رضایت خانواده‌ام را نیز جلب کنم. اما یقین دارم که این شخص به رغم تمایلی که می‌تواند نسبت به من برای ازدواج داشته باشد، صرفاً به این دلیل که وی از خانواده متوسطی است و پدرشان کارمند ساده یکی از ادارات شهرمان می‌باشد و نیز با این نگرش که به طور قطع من خواستگاران متعددی از مشاهیر شهرمان دارم و

بایسته و شایسته اجتماعی در جهت گشایش فصل آشنایی به منظور شناخت متقابل و تمهید مقدمات امر ازدواج، شاید لازم آید در گستره فرهنگ ازدواج، علاوه بر شیوه مطلوب و پسندیده حاکم بر جامعه اسلامی ایران، یعنی خواستگاری آقایان از خانم‌ها به روش‌ها و شیوه‌های مکمل نیز اندیشید، روش‌ها و شیوه‌هایی که تسهیل کننده امر ازدواج باشد و فرصت‌های زوجیت جوانان واجد شرایط را بارور سازد.

آری، باید به روش‌ها و شیوه‌هایی اندیشید که ضمن تکریم شخصیت متعالی، حساس و لطیف دختر خانم‌ها زمینه طرح نظریات و نگرش‌ها و اعلام آمادگی آن‌ها برای پذیرش تقاضای ازدواج از طرف افراد واجد شرایط و مورد نظرشان (در صورت تقاضا و خواستگاری آنان) به گونه‌ای که بایسته و شایسته است فراهم شود. این اندیشه و روش می‌تواند به فرایند "انتخاب" دختر خانم‌ها که از حقوق فطری و طبیعی آنان است، معنا و مفهوم روشن‌تری ببخشد.

به سخن دیگر در فرهنگ حاکم بر جامعه اسلامی ما، مسئله خواستگاری دخترها از پسرهای مطلوب و واجد شرایط ازدواج می‌تواند به صورت غیرمستقیم و در زیباترین حالت و شایسته‌ترین وجه و با حفظ کرامت، شأن والا و منزلت پراج ایشان و احترام به مراتب صداقت، پاکی طینت، صلابت و سلامت اخلاقی آنان انجام پذیرد.

به یقین در روش غیرمستقیم که در بستری از اخلاق، صداقت، اعتماد و اطمینان متقابل مورد استفاده قرار می‌گیرد، ضمن پاسداری از کمال شخصیت و تعالی وجود ارزشمند دختران طیبه، پاکدامن، فهیم و دوراندیش، بیش‌ترین مسئولیت متوجه خود ایشان و رابطین متعهد و دلسوز و

بیان اندیشه‌هایش را فراهم کرده بودم تا از سویدای دل خواست و ایده‌آل ذهنی خود را مطرح کند. خلاصه کلام این که بعد از چند هفته امکان ملاقات و معارفه دو خانواده ذی‌ربط و آشنایی و شناخت بیش‌تر این دو جوان فراهم شد و پس از خواستگاری رسمی و اعلام موافقت دختر خانم و خانواده محترم ایشان، مراسم عقد زوجیت این دو جوان پاک طینت، دوراندیش و متعهد در شب میلاد حضرت زهرا - سلام الله علیها - (شهریور ماه ۷۹) برگزار شد.

در این مورد نیز دو مسئله مهم به طور هم زمان مدنظر قرار گرفت و به صورت مطلوب حل و فصل شد. اول این که این دختر خانم توانست با شکستن باورهای کلیشه‌ای و غالب شدن بر برخی تصورات نه چندان خوشایند در ارتباط با انگیزه واقعی خواستگاران، شخصاً همسر مورد نظر خود را انتخاب کند. دوم این که این خانم به شیوه‌ای بسیار پسندیده و معقول توانست تمایل درونی خود را ابراز کند و به عبارت ساده‌تر پیام خواستگاری خود را به شخص موجه و مطلوبش انتقال دهد.

بدون تردید مواردی مشابه آن چه بدان‌ها اشاره شد بسیار است. لذا شایسته است دختر خانم‌های محترم و آقا پسرهای متعهد با ذهنی باز و اندیشه‌ای خلاق سعی کنند بن بست‌های فکری و فرهنگی را بشکنند و با اتخاذ مطلوب‌ترین و مؤثرترین روش‌ها به افق‌های روشن فرداها نزدیک شوند.

به کلام دیگر، در دنیای امروز با توجه به پیچیدگی‌های خاص آن و محدودیت‌های موجود در ارتباط متقابل، ویژگی‌های شخصیتی جوانان و عدم برخورداری بسیاری از ایشان از مهارت‌های

خانواده پسر (مادر، پدر، یا...) اطلاع می‌دهد که چنانچه مایل به ازدواج پسرشان باشند، فلان دختر خانم برای زوجیت با پسرشان از کفایت‌ها و شایستگی‌های ارزشمندی برخوردار است و در صورت صلاحدید، ایشان (استاد رابط) نیز می‌توانند در امر معارفه و خواستگاری همکاری کنند. البته گاهی نیز برخی از دوستان صمیمی و نزدیکان شفیق و صدیق می‌توانند همین نقش و مسئولیت خطیر را عهده‌دار شوند، به شرط آن که با رعایت همه جوانب و با ظرافت خاص اقدام به این کار کنند.

مهم آن است که در جامعه اسلامی ما، زمینه و فرهنگ چنین اندیشه و روشی به زیبایی فراهم شود و تعمیم یابد. تردیدی نیست که اگر این شیوه با همه زیبایی‌ها، ظرافت‌ها، حساسیت‌ها و اهمیت فوق‌العاده‌اش در درون دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و تربیت معلم و با مشارکت جدی و صمیمانه جمعی از استادان، مدرسان و مشاوران مورد وثوق، شایسته و مقبول به درستی شکل بگیرد و به صورت کار آمد و مؤثر عملی شود، به سادگی در مراکز مختلف مذهبی، علمی و فرهنگی و در شهرهای مختلف قابل تعمیم خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- الجنة تحت اقدام ائمهات (محمد صلی الله علیه و آله)، نهج الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات جاویدان، ۱۳۷۴.
- ۲- قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۳۷.
- ۳- نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا، ۱۳۶۹، صفحه ۴۷.
- ۴- این جانب بارها در محل دفتر مشاوره خود با چنین خانواده‌های محترمی مواجه شده و مسائلی از این قبیل را از زبان بسیاری از مادران فهیم و متعهد شنیده‌ام.

مورد وثوق از دوستان و آشنایان صدیق، مربیان و مشاوران صمیمی، کارشناسان و صاحب‌نظران متعهد و کاردان و استادان توانمند و وارسته خواهد بود. به عنوان مثال در محیط دانشگاه همان‌گونه که وقتی پسر دانشجویی با برخورداری از قابلیت‌های لازم برای زوجیت، نسبت به یکی از دختر خانم‌های هم‌کلاسی نظر مثبتی پیدا می‌کند اما توان و جرئت بیان و اظهار را نمی‌یابد، مسئله را با استادی دلسوز، وارسته، مطمئن و قابل وثوق در میان می‌گذارد و از او درخواست کمک می‌کند، هیچ مانعی نخواهد داشت که دختر دانشجوی عقیف و پاکدامنی نیز که از بیش‌ترین شایستگی‌ها و قابلیت‌های زوجیت بهره‌مند است، نگرش مثبت خود را درباره ویژگی‌های شخصیتی پسری که به طور نسبی او را می‌شناسد، با استاد مورد وثوق و مقبولش در میان بگذارد و این استاد امین و مسحرم راز و حافظ اسرار و احساسات و نگرش‌ها و تمایلات مراجعان با گشاده‌رویی و احساس مسئولیت، ضمن بررسی کلیه جوانب امر در فرصتی مقتضی با پسر مورد نظر ارتباط برقرار کرده، نظری را نسبت به زوجیت و زوج مطلوب جویا می‌شود و در صورت اقتضا، امکان آمادگی موکل خود (دختر) را برای ارائه پاسخ مثبت در صورت خواستگاری از طرف پسر به اطلاع وی می‌رساند و آمادگی خود را برای برگزاری جلسات معارفه و شناخت متقابل پیش‌تر اعلام می‌دارد.

بدیهی است در مواقعی نیز این استاد محترم ممکن است چنین مصلحت‌بداند که به جای ابلاغ موضوع به پسر، به گونه‌ای که بدان اشاره شد، مسئله را به شیوه‌ای مطلوب و به زبانی گویا و گیرا با خانواده و اولیای وی مطرح کند. به عنوان مثال با شناختی که از خانواده پسر دارد یا پیدا می‌کند، ضمن تماس با ایشان و معرفی کامل خود به